

پژوهش‌نامه کاشان، شماره هشتم (پیاپی ۱۶)
بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۳-۳۱



باغ تاریخی عباس آباد نطنز

سید محمد بهشتی*

سارا آلاادپوش**

چکیده:

در اواخر قرن دهم هجری قمری، با آغاز حکومت شاه‌عباس اول و انتخاب اصفهان به‌عنوان پایتخت، جلوه‌ای از باغ‌های تاریخی در مناطق ییلاقی مجاور این شهر نمود پیدا کرد. باغ تاریخی عباس‌آباد نطنز نیز از آن گونه است. پیدایی باغ‌هایی این چنین، به‌منظور ایجاد تفرجگاه تابستانی و همچنین اقامتگاه موقت شاه و همراهانش در طی سفر از مسیر اصفهان به مقاصد شمال کشور بوده است. پژوهش پیش رو براساس منابعی از جمله اسناد مکتوب تاریخی و تصویری، کتب، نسخ خطی و نیز مطالعات میدانی شکل گرفته است. از مراجع پایه‌ای که نگارندگان از آن بهره‌جسته‌اند، می‌توان به مطالعات میدانی کلایس و سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا اشاره کرد. این جستار در پی خوانش بستر باغ به‌منظور شناخت بهتر اثر تلاش کرده و نتایج آن در فهم دقیق‌تر راهگشا بوده است. آنچه از شواهد تاریخی برمی‌آید، ساختار بستر باغ است که قریه‌ای متشکل از باغ، مزارع، معدن، قبرستان و قلعه را مشخص می‌کند. قلعه نقش سکونتگاه اولیه ساکنان عباس‌آباد را داشته است که با مهاجرت اهالی عباس‌آباد به روستای صالح‌آباد، زمینه‌ای برای متروک ماندن این مکان فراهم می‌شود. در این مقاله، به جایگاه ییلاقی و میراث کشاورزی نطنز با توجه به بازتاب آن در این باغ تاریخی توجه شده است که

* دانشیار مرکز آموزش عالی میراث‌فرهنگی

** کارشناسی ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی/

aladpoush@yahoo.com

باغ تاریخی

عباس‌آباد نطنز



حاصل آن گونه‌ای از باغ ایرانی با طرح باغ‌مزرعه را نشان می‌دهد. این طرح مرکب از باغ رسمی و زمین‌های زراعی با حصارهای جداگانه است که دلایل شکل‌گیری‌شان مورد بررسی قرار گرفت. از آنجایی که از باغ عباس‌آباد در متون تاریخی کمتر سخن رانده شده است، به بررسی راه‌های منتهی به باغ در دو دوره صفوی و قاجار پرداخته شد. در این پژوهش، نحوه آب‌رسانی و همچنین شناخت گونه‌های گیاهان باغ با نگاهی به اسنادی از مکاتبات مالکان باغ و سازمان اوقاف مورد مطالعه قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: باغ ایرانی، باغ عباس‌آباد، نطنز، دوره صفوی.

مقدمه

باغ عباس‌آباد نطنز که با عنوان کوشک تاریخی عباس‌آباد به شماره ثبت ۵۸۸۲ به تاریخ ۱۳۸۱/۳/۲۵ در فهرست آثار ملی درج شده، از املاک شاه‌عباس اول به‌شمار می‌آمده است که در سال ۱۰۱۵ق موقوفه اعلام می‌شود و در دوره قاجار به مالکیت میرزا محمدحسین معاون دیوان درمی‌آید. در سال ۱۳۲۲ق/۲۸۳ش، براساس وقف‌نامه‌ای که موجود است، این ملک توسط میرزا محسن معاون دیوان، مجدداً وقف می‌شود.

با نظر به شکل‌گیری باغ در خارج از شهر، هدف از بیان چنین موضوعی، بازشناسی الگوی صفوی باغ‌های برون‌شهری است. افزون بر این، اهمیت طرح این موضوع بیشتر از جایی آغاز می‌شود که دکتر آیت‌زاده شیرازی در نامه‌ای، از دغدغه خود نسبت به احیای باغ‌های تاریخی در نقاط مختلف کشور سخن می‌گوید و ضرورت توجه به آن‌ها را یادآور می‌شود: «درخواستیم این است که فرصتی است که بسیاری از باغ‌های ایرانی ایران را آن‌هم در دورانی که فضا برای گردشگر جست‌وجو می‌کنیم، زنده سازیم...» و در ادامه به باغ‌های تاریخی نطنز اشاره می‌کند: «باغ تاج‌آباد و عباس‌آباد نطنز با مختصر سرمایه‌ای روبه‌راه می‌شود.» از این رو، این جستار تلاشی در جهت بازنمایی ارزش‌های مغفول این باغ تاریخی است تا گامی در راستای شناسایی و حفظ این گونه آثار ارزشمند برداشته شود.

۱. نطنز بیلاقی، نطنز شکارگاه

آنچه تمایل شاهان صفوی را به ناحیه نطنز توجیه می‌کند، گستره اقلیمی و جغرافیایی آن از حیث وجود شکارگاه‌ها و مناطق بیلاقی و نیز مزیت همجواری‌اش با اصفهان پایتخت صفوی است که زمینه‌ای را برای بنیان باغ‌های سلطنتی چون عباس‌آباد، تاج‌آباد و باغ حرم یا حرم که تفرجگاه تابستانی زنان خاندان سلطنتی بود (اعظم واقفی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۱۶) پدید آورد. اهمیت جایگاه جغرافیایی این ناحیه را می‌توان به لحاظ وفور آب منشعب از کرکس کوه دانست که به تبع آن، سرسبزی و آبادانی‌اش را در دل کویر در پی داشته است. میرزا محمدباقر، شاعر دوره صفویه، در توصیف شهر نطنز، از سریان آب در جای‌جای شهر سخن می‌راند و آنگاه با برجسته ساختن مظاهر

پژوهش‌نامه کاشان
شماره هشتم (پایه ۱۶)
بهار و تابستان ۱۳۹۵



•
•
•
•
•
•
•

طبیعی آن یعنی کوه و دشت‌هایش، نقش تفرجگاهی‌اش را تداعی می‌کند:
 کجا همچون نطنز ما مکانی در جهان باشد که در هر کوچه آن چشمه حیوان روان باشد
 برد میراث چون همسایه نیک افتاد در عالم توان گفتن که خاکش آبروی اصفهان باشد...
 گشاده عقد دل باشد اندر روی صحرائش نه تنها کوه‌هایش جای عیش می‌کشان باشد
 بگو باقر خدایا دور دار از چشم بدبینش که شاید از دعایت کوه و دشتش در امان باشد

(همان، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۲۸)

اشاراتی که در مورد نطنز به جهت خوبی آب‌وهوا، سرسبزی، باغ‌ها و فراوانی میوه‌های بی‌بدیش از مورخان و سیاحان برجای مانده است، کم نیستند. ملّا عبدالباقی نهبانندی در مآثر رحیمی، شرحی از سبب اقامت مولانا حیدری شاعر هم‌عصر شاه‌عباس اول در این ناحیه می‌دهد: «در نظر [نطنز] عراق که در آب‌وهوا و نزهت و باغات و آب روان در ربع مسکون، ثانی ندارد و از غایت وفور فواکه و اثمار غیر مکرر در عراق و خراسان بی‌مثل است، توطن اختیار نمود» (نهبانندی، ۱۹۳۱، ج ۳: ۱۳۳۵). افزون بر این، مادام دیولافوا از زیبایی نطنز و الکساندر اشتال از باغ‌ها و مزارع آباد آن در قرن نوزدهم میلادی می‌گویند (دیولافوا، ۱۳۹۰: ۷۲؛ عاطفی، ۱۳۹۱: ۲۱۹) و به طور مشخص، حسین قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی، از بیلاقی بودن دو منطقه عباسی‌آباد [عباس‌آباد] و تاج‌خاتون [تاج‌آباد] سخن رانده است (نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۷۵).

آنچه مسلم است اینکه شاه‌عباس اول به عزم شکار جرگه، بیشتر به مناطق شمالی ایران و خراسان و به‌منظور شکار پرندگان، به نواحی حومه اصفهان و کاشان مثل لنجان و نطنز عزیمت می‌نمود (فلسفی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۳۸۸) که البته ظهور باغ‌های رسمی به‌عنوان تفرجگاه و منزلگاه شکار را در پی داشت. در متن زیر، هدف از اقامت وی بدین گونه تبیین می‌شود: «و در آن اثنا شاه جم‌جاه شاه‌عباس صفوی به طریق سیر و شکار به آن ملک آمد» (نهبانندی، ۱۹۳۱، ج ۳: ۳۳۵).

چنین به نظر می‌رسد که نه تنها ناحیه نطنز در مسیر سیر شاه به مازندران بهشت‌نشان موردعنایت قرار می‌گرفت، بلکه به‌عنوان مقصدی برای اقامت کوتاه‌مدت تعیین می‌شد. در روزنامه ملّا جلال، مدت اقامت ده‌روزه شاه‌عباس اول در سال ۱۰۰۵ق به جهت شکار و بازگشت مجدد وی به پایتخت آورده شده است: «در اوایل جمادی‌الاول متوجه نطنز شدند به عزم و شکار و روز دهم مراجعت واقع شد» (منجم، ۱۳۶۶: ۱۵۲).

در *احیاءالملوک* نیز به سفر چندروزه گنجعلی‌خان، حاکم وقت کرمان در زمان شاه‌عباس اول، در فصل پاییز از دارالسلطنه به نطنز و کاشان به‌منظور تفرج و شکار و حضور دوباره‌اش به پایتخت، شرحی بیان می‌شود (سیستانی، ۱۳۸۳: ۳۷۶-۳۷۷). همچنین در مواردی، مقصد شاه به‌جانب

مازندران بوده، اما تا رسیدن زمان مناسب برای اقامت در آن خطه، مسیر نطنز و کاشان (با توجه به دور گشتن از راه اصلی) اختیار می‌شد تا از مواهب این نواحی بهره‌مندی حاصل گردد. در متن زیر از باغ تاج‌آباد که در مسیر شاهی اصفهان- فرح‌آباد هم قرار می‌گرفت، یاد می‌شود: «چون خاطر همایون را از همه جهتی فراغت حاصل بود، تصمیم این عزیمت نموده هم‌عنان دولت و هم‌رکاب اقبال روانه مازندران بهشت‌نشان گردیدند و به‌علت آنکه به فصل معین که هنگام خوشی آن ملک است مدتی مانده، قرار یافت که از دارالمؤمنین کاشان و قم و ری به آهستگی شکارکنان روانه شوند... و در باغ بهشت بنیاد تاج‌آباد چند روز به جهت سیر و شکار و تفریح آن گلزار توقف فرموده» (وحید قزوینی، ۱۳۸۳: ۶۷۳-۶۷۴).

در این میان، هنگامی که مورخان و سیاحان، خاصه در منابع معتبری چون *عالم‌آرای عباسی* و روزنامه *مآجال*، شرحی از صید و تفریح پادشاهان صفوی در منطقه نطنز می‌دهند، از باغ تاریخی‌ای چون عباس‌آباد کمتر سخنی به میان آورده می‌شود؛ از این رو به نظر می‌رسد وصفی که شارحان در دو دوره صفوی و قاجار از راه‌های ارتباطی اصلی و فرعی منتهی به اصفهان و کاشان و دلایل گزینش و قدمت آن‌ها به دست می‌دهند، تا اندازه‌ای در بیان علل عدم گذر از این باغ صفوی راهگشاست.

۲. کنکاشی در خط سیر سیاحان در گذر از نطنز

۱. بررسی مسیرهای منتهی به باغ در دوره صفوی

پادشاهان صفوی به واسطه علاقه وافرشان به شمال ایران، به‌ویژه فرح‌آباد، مسیر تاریخی میان‌بری را از اصفهان به این ناحیه پی‌ریزی کردند. این راه، از منزلگاه دنی آغاز شده و با گذر از کاروانسرای قصر بهرام و عین‌الرشید در میان گرمسار، امتداد می‌یافت و به ساری منتهی می‌شد. با نگاهی به نقشه تهیه‌شده توسط ولفرام کلایس، عباس‌آباد را با فاصله‌ای از این خط سیر، می‌توان مشاهده کرد که در واقع در مسیر نطنز- کاشان جای دارد (نقشه ۱ و ۲)؛ از این رو، اگر باغ در امتداد این محور می‌بود، بایستی راه طولانی‌تر پیموده می‌شد. چنان‌که از نقشه پیترو دلا واله^۱ (نقشه ۳) (Alai, 2010: 231) که در سال ۱۶۶۵ میلادی مقارن با دوره صفوی ترسیم شده و در آن منزلگاه‌های این مسیر مشخص شده است دریافت می‌شود، باغ تاج‌آباد در امتداد این راه علامت‌گذاری شده است، اما نشانی از عباس‌آباد وجود ندارد. از مطالب فوق، می‌توان چنین برداشت کرد که عباس‌آباد در مسیر شاهی قرار نداشته است، چنان‌که در منابع تاریخی، اشاراتی که به گذر از باغ شده کم‌شمارند؛ از آن جمله، در کتاب *ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم*، ذکر آن رفته که شاه صفی از اصفهان به منظور شرکت در مراسمی به مناسبت عاشورا رهسپار دولت‌آباد شده و سپس از راه نطنز و عباس‌آباد به کاشان رسیده است. فیگوئروا سفیر اسپانیا در دربار شاه‌عباس اول هم در طی حرکتش از اصفهان به سوی قزوین، با گذر از باغ عباس‌آباد، تصویری از آن ارائه می‌کند. وصفی که وی از



محور تاج‌آباد به این باغ بیان می‌کند، راهی کوهستانی و تپه‌ماهور و بایر است که به‌نظر می‌رسد نشان از فرعی بودن این مسیر دارد: «سراسر راهی که در پیش داشتیم، قوزدار و کوهستانی بود، اما چنان وسیع که یک ارابه به‌خوبی می‌توانست در آن حرکت کند... دو روز از این تپه‌ماهورها می‌گذشتیم و سه روز دیگر نیز می‌بایست در جاده‌ای مشابه راهپیمایی کنیم. بیشتر راه بایر و لم‌بزرع بود» (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۳۶).

بنابر آنچه اظهار شد، به‌نظر می‌آید خط سیر منتهی به عباس‌آباد، گذر محلی پیچ‌وخم و دشواری بوده است که در محور شاهی اصفهان- فرح‌آباد قرار نمی‌گرفت و از اهمیت کمتری نسبت به راه شاهی برخوردار بوده است.

۲.۲. بررسی مسیرهای منتهی به باغ در دوره قاجار

آنچه از مطالعه سفرنامه‌های دوره قاجار برمی‌آید، این است که دو مسیر اصلی از کاشان به اصفهان منتهی می‌شد که یکی از قهرود و دیگری از شهر نطنز عبور می‌کرد. هریک از این خطوط دارای ویژگی‌هایی بودند که بنا به وضعیت اقلیمی و جغرافیایی، موردگزینه مسافران قرار می‌گرفت. گذر از مسیر قهرود کوهستانی و مرتفع در فصل زمستان، به‌سبب وجود برف، امکان‌پذیر نبود و حرکت قشون را به همراه تجهیزات و توپخانه، دچار مشکل می‌ساخت. از دیگر سو، بهره‌مندی از هوای مطبوع آن خطه، وجود چاپارخانه و کوتاهی مسیر از جمله مزیت‌های آن به‌شمار می‌آمد؛ از این رو، مسافران را در تابستان به ادامه سفر در این محور ترغیب می‌کرد. گذر دیگر، کاشان- نطنز- اصفهان، راهی زمستانی با پیچ‌های فراوان و نسبت به مسیر قهرود طولانی‌تر بود.

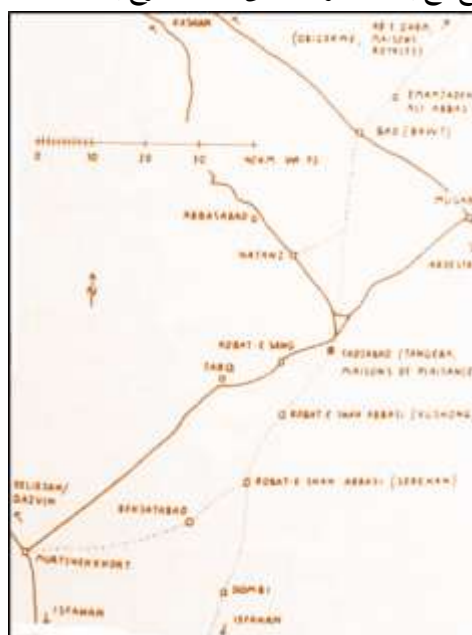
آنچه از خوانش آبادی‌ها و روستاهای محور اخیر در سفرنامه‌ها به‌دست آمد، با این نظر که عباس‌آباد در امتداد مسیری فرعی قرار می‌گرفته است، همخوانی می‌یابد. شرح این مسیر از کاشان چنین است: کاشان، ابوزیدآباد، خالدآباد، بادرود، کزان، دستگرد، خفر، جاریان، نطنز (افشار، ۱۳۵۲، ج ۱۹: ۱۸۴-۱۸۵). از خالدآباد و بادرود محوری دوگانه، یکی به سمت جنوب شرق از طریق اردستان به کرمان و یزد می‌رسید (نراقی، ۱۳۴۸: ۲۲۷) و دیگری به نطنز منتهی می‌شد. علاوه‌براین، راه خالدآباد به کاشان با وجودی که نسبت به مسیر عباس‌آباد، از مسافت بیشتری برخوردار بود، به‌دلیل همواری‌اش در عبور کالسکه، در اولویت قرار می‌گرفت که در کتاب دو سفرنامه از جنوب، جزئیاتش بدین گونه نقل شده است: «فاصله نطنز به کاشان از راه کالسکه که قشلاقی است چهارده فرسخ و از راه عباس‌آباد، بیلاقی سیزده فرسخ است» (آل داوود، ۱۳۷۷: ۲۱۷). و در ادامه می‌نویسد: «در تمام طول این راه، یعنی از نطنز الی خالدآباد، کالسکه بی‌مانعی و خرجی حرکت نماید» (همان: ۲۱۹). سایکس نیز که در اکتبر ۱۸۹۴ با عبور از روستای هنجن در مسیر نطنز، از فاصله‌ای دور، روستای عباس‌آباد را وصف می‌کند، بنابراین به‌نظر می‌رسد از مسیر دیگری که احتمالاً همان گذرگاهی است که ذکر آن در بالا رفت، راهی نطنز شده باشد.



پس می‌توان نتیجه گرفت که مسیر منتهی به عباس‌آباد، راهی محلی و دارای پستی و بلندی بوده است که به دلیل سفر به کاشان، بیشتر مورد تردد قرار می‌گرفته و در تابستان با توجه به منظر راه قهرود، مسافر کمتری از این محل عبور می‌کرده است. نیز به نظر می‌رسد مسیر هموار خالدآباد و بادرود بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.



نقشه (۱): باغ تاج‌آباد در مسیر راه شاهی اصفهان- فرح‌آباد (Kleiss, 1994: 289)



نقشه (۲): باغ عباس‌آباد با فاصله‌ای از راه شاهی اصفهان- فرح‌آباد (Ibid)

پژوهش‌نامه کاشان
شماره هشتم (پایه ۱۶)
بهار و تابستان ۱۳۹۵



•
•
•
•
•
•
•



نقشه (۳): باغ تاج‌آباد در مسیر اصفهان- فرح‌آباد علامت‌گذاری شده است. باغ عباس‌آباد در مسیر مجاور این مسیر قرار دارد (Alai, 2010: 231).

۳. قریه عباس‌آباد

عباس‌آباد با عنوان‌هایی چون باغ، قریه، مزرعه، شکارگاه عباسی و باغ شکارگاه آورده شده است. از جمله کتب صفوی که عباس‌آباد را «باغ» نام می‌برد، *عالم‌آرای عباسی* است. اسکندر بیگ ترکمان در بخش «ذکر آثار خیر و انشاء و احداث عمارات»، فهرستی از موقوفات شاه‌عباس اول را برمی‌شمارد که نام باغ عباس‌آباد در پی تاج‌آباد و با حدود منطقه‌ای مشخص آورده شده است. «جمیع املاک موروثی و مکتسبی خود را که قیمت عادلانه آن یکصد هزار تومان بود، وقف حضرات عالیات چهارده معصوم علیهم‌السلام نموده... در نظنز باغ تاج‌آباد مع عمارات درگاه و بالاخانه‌ها و حمام و غیره و باغ عباس‌آباد مابین نظنز و کاشان...» (ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۳: ۱۱۱۱). در اجاره‌نامه‌ای که در اول مهر ۱۳۱۳ شمسی تنظیم شده است، عباس‌آباد را «مزرعه» بیان کرده‌اند: «ذیل‌الکتاب حضور به هم رسانیدند در دار شرع مطاع جناب مستطاب اجل عالی، آقای حاجی میرزا محمدرضا خان شریعتی، عضو متقاعد وزارت جلیله پست و تلگراف، دام‌اقباله‌العالی، ساکن قریه سرشک نظنز به وکالت ثابته حضرت مستطاب اجل اکرم آقای خیرالسلطنه، سابق دامت برکاته، ساکن خیابان شاه‌آباد دارالسلطنه طهران و به اجاره صحیحه شرعیه اسلامیه دادند به عالی‌شان عزت‌بنیان مشهور حاجی بابا خلف مرحوم رضا ساکن قریه ننی من توابع و لواحق بلده نظنز تمامت دو دانگ مفروز از شش دانگ مزرعه عباس‌آباد ذیل قریه ننی جنب شارع کاشان از توابع برزورد که مستغنی از حدود است...»

این منطقه هم‌اکنون به اسم روستای عباس‌آباد شناخته می‌شود؛ هرچند در کتاب ده هزار میل در

ایران، ذکر «قریه» عباس آباد رفته است که با این محل، همخوانی بیشتری دارد. آنچه از اسناد تاریخی دریافت می‌شود، مبین این نکته است که قریه عباس آباد دربرگیرنده فضاهایی چون قلعه، مزارع، باغ، بقایای از قبرستانی در شمال باغ شاهی و معدن بوده است؛ هرچند گمان آن می‌رود که پیشینه‌ای کهن‌تر داشته باشد چنانچه نام قدیمی روستای مجاور به آن، با نامی اوستایی (نسی) به این فرضیه قوت می‌بخشد.

۳.۱. تاریخچه احداث و مالکیت باغ

شاه عباس اول مرکز حکومت خویش را از قزوین به اصفهان منتقل می‌کند که به توسعه آبادانی در مناطق همجوار پایتخت همچون نطنز منجر می‌شود. از این رو، پیشینه احداث باغ‌های رسمی در این ناحیه، بایستی بین سال‌های ۹۹۶ق تا ۱۰۳۸ق مقارن با دوران حکومت شاه عباس اول باشد. از دیگر سو، با اشاره‌ای که اسکندر منشی به تاریخ وقف باغ عباس آباد در سال ۱۰۱۵ق می‌کند، گمان می‌رود تاریخ بنیانش به پیش از این زمان و بین سال‌های ۱۰۰۰ق تا ۱۰۱۵ق بازگردد و به گفته دُن گارسیا دسیلوا فیگوئروا دو باغ عباس آباد و تاج آباد تا سال ۱۰۲۸ق، هنوز مراحل ساختشان به اتمام نرسیده بود: «نیمه شب گذشته بود که سفیر به باغی رسید هم از آن شاه. این باغ که نهال‌هایش را تازه کاشته بودند، نه آرایشی داشت و نه ساختمانی، جز شاه‌نشینی که سفیر در آن منزل کرد... صبح روز بعد که سوم ژوئن بود، سفیر در همان ساعتی که روز گذشته حرکت کرده بودیم، از این منزل ناساز که عباس آباد نام داشت، بیرون آمد» (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۳۶). همچنین درباره تاج آباد می‌گوید: اساساً کار احداث و آرایش قسمتی از باغ ناتمام بود و در قسمت‌های دیگر نیز به‌تازگی درخت‌هایی غرس کرده بودند» (همان‌جا).

باغ عباس آباد که در شمار املاک شاهی یا خالصه بوده است، در سال ۱۰۱۵ق وقف عام می‌شود و در عهد حکومت ناصری، از سوی حاکم اصفهان، به میرزا محمدحسین معاون دیوان، فرزند حاجی محمدبیک، برادر حاج ملا احمد نطنزی از علمای بزرگ عصر قاجار و داماد حاج ملا احمد فاضل نراقی تفویض می‌گردد و پس از وی، پسرش میرزا محسن، مالکیت باغ را به میرزا محمدخان، ملقب به مفاخر السلطنه و نظارت آن را به دو فرزند دیگرش، میرزاعلی خان (خبیرالسلطنه) و میرزا حسن خان (معظم السلطنه) واگذار می‌کند (اعظم واقفی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۲۴۸-۲۴۹ و ۲۵۵). در تاریخ ۱۰ ذی‌حجه ۱۳۲۲ق/۱۲۸۳ش، میرزا محسن معاون دیوان دو دانگ از ملک مذکور را بر عزاداری حضرت حسین بن علی وقف می‌کند. بخشی از وقف‌نامه بدین شرح است: «جناب معظم له طلباً لمرضات الله الکریم و خالصاً لوجه العظیم، وقف صحیح مخلد شرعی و حبس صریح مؤبد ابدی همیشگی نمودند همگی و تمامی و جملگی دو دانگ متصرفی ملک مختص خودشان را از شش دانگ مزرعه معینۀ معلومۀ مدعوه به مزرعه عباس آباد، واقع در محال اربعه نطنز که در محل خود مشخص و معین و محدود به حدود ذیل السطر است به رودخانه، به

مزرعه کالیجان، به اراضی بادرود، به قریه نئی...»

۳.۲. موقعیت عباس آباد

عباس آباد به لحاظ موقعیت جغرافیایی در شمال شرقی منطقه حفاظت شده کرکس با فاصله‌ای ۱۲ کیلومتری از شمال غرب شهر نطنز و ۶۵ کیلومتری از شهر کاشان در دهستان برزروود بخش مرکزی شهرستان نطنز و در استان اصفهان قرار گرفته است. از یک سو در مجاورت کوه و از سوی دیگر به دشت می‌رسد. محور قرارگیری باغ شمال غربی- جنوب شرقی با عرضی معادل ۳۳/۵۸۷۶۱، طول ۵۱/۸۱۵۶۹ و ارتفاع ۱۴۱۵ متر است و در جوارش روستای صالح آباد، مزرعه لاکج و مزرعه عباس آباد جای گرفته‌اند.

۴. خوانش بستر و عناصر باغ

ساختار بستر متشکل از باغ، قلعه، معدن، قبرستان و مزارع است (نقشه ۴). مزارع شمال شرق باغ رسمی شامل مزرعه پایین و میان دشت می‌شوند و باغ شاهی معروف به باغ بالا و باغ بلند نیز در قسمت جنوبی و در فراز باغ جای دارد (شکل ۲). روستای صالح آباد نیز سکونتگاه ساکنین پیشین عباس آباد می‌باشد.



شکل (۱): منظر از باغ عباس آباد نطنز از جاده قدیم کاشان- نطنز

(Harvard Library, Baroness Marie-Thérèse Ullens de Schooten, 1951-1972)



شکل (۲): منظر باغ عباس آباد نطنز از جانب شمال (نگارندگان)



شکل (۳): منظر باغ از جانب شرق

(Harvard Library, Baroness Marie-Thérèse Ullens de Schooten, 1951-1972^۳)



نقشه (۴): عناصر فضایی و کالبدی بستر پیرامون و درون باغ (پرداخت شکل: نویسندگان براساس عکس هوایی سال ۱۳۳۴ شمسی سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح)

۱.۴. روستای صالح آباد

روستای نه نی^۴، نی نی یا ننی که در سال ۱۳۶۲ به صالح آباد^۵ تغییر نام یافت، در دره‌ای مشرف به باغ عباس آباد و در قسمت شمال غربی آن، با ارتفاع ۱۵۶۶ متر قرار دارد. عباس آباد، احمدآباد، کالیجان و لاکج از مزارع این روستا محسوب می‌شوند (اعظم واقفی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۲۶۴) که دسترسی به آن از جاده‌ای در شمال باغ و با پیمودن دو کیلومتر میسر می‌شود. سکونتگاه اولیه ساکنان این روستا، قلعه‌ای به نام عباس آباد یا قلعه‌کهنه در ناحیه میان دشت مزرعه عباس آباد بوده است که آثاری از دیوارچینه آن برجاست و در عکس هوایی دهه ۳۰ شمسی، محدوده آن قابل شناسایی است. دو روایت برای نام‌گذاری ننی ذکر می‌شود:

در روایت اول، واقفی با استناد به گفته‌های روستاییان مبنی بر اینکه ساکنان اولیه ننی که در قلعه

پژوهش‌نامه کاشان
شماره هشتم (پایه ۱۶)
بهار و تابستان ۱۳۹۵



عباس‌آباد سکونت داشته‌اند، به دلیل آماده‌سازی باغ به هنگام ورود شاه، فرصت بازگشت به خانه را نداشته و از طرفی مهاجرت به این دره در اواخر دوره صفویه پس از هجوم محمود افغان باوجود اشتغال به کشاورزی آنان در زمین‌های اطراف باغ سبب می‌گردد تا ساکنان بگویند که زندگی ما مانند ننی (نوعی گهواره) در حرکت است، این نام را برمی‌گزینند (همان، ج ۳: ۲۶۳).

روایت دوم مبتنی بر ریشه واژه ننی است. زمین‌های مستعد و فراوانی آب در نطنز، نشان از وجود قدمت سکونتگاهی در این سرزمین دارد که نمود آن را می‌توان در اسامی اماکن این ناحیه با ریشه اوستایی یا شبه اوستایی در نام‌هایی چون ویشه که کاملاً شبیه به تلفظ واژه‌های اوستایی است و نسران و کندز و کالجان و ریشه و خفر مشاهده کرد. از این رو، نی در واژه ننی و نیز در نام روستای نیه در دهستان ترقود به معنای آب است که کنایه از آبادی دارد که مورد توجه آریایی‌ها بوده است (مهریار، ۱۳۸۲، ج ۲: ۷۹۹ و ۸۲۱-۸۲۲).



شکل (۴): منظر باغ عباس‌آباد نطنز از جاده روستای صالح‌آباد (نگارندگان)

۲.۴. معدن سرب و روی عباس‌آباد

در دوره صفوی، به دلیل ثبات سیاسی و ایجاد روابط گسترده اقتصادی با کشورهای دیگر، بستری برای استخراج از معادن فراهم آمد، اما بنا به دلایلی همچون گرانی نیروی انسانی، سختی کار و همچنین واردات مواد معدنی به ایران، این کار به ثمر و رونق نرسید؛ به گونه‌ای که تاورنیه می‌نویسد: «در این زمان [صفویه] از کوه‌های ایران، مواد معدنی استخراج می‌شد...» و در ادامه می‌گوید: «شاه‌عباس کبیر می‌خواست استخراج معادن طلا و نقره را دنبال کند، اما چون این کار سودی دربرنداشت، از این کار منصرف شدند.» سابقه فعالیت‌های معدنی در نطنز، به گذشته‌های دور بازمی‌گردد. در کتاب *مرآت الوقایع مظفری* که در دوره مظفرالدین‌شاه نگاشته شد، فهرستی از معادن نطنز آورده شده است که شامل معادن آهن، فادزهر، سرب، زغال‌سنگ، گچ، مس، کربدن و سنگ

مرمر می‌شوند. علاوه بر این، در گزارش پی‌جویی و پتانسیل‌یابی مواد معدنی، از معادن آهن، سرب، منگنز، زغال، خاک صنعتی، فلدسپات، زئولیت و سنگ ساختمانی نام برده می‌شود. درخصوص وجود معادن سرب و روی، آنچه از مشاهدات صحرایی و بررسی‌های آزمایشگاهی انجام شده دریافت می‌گردد، کانه‌زایی سرب و روی در محدوده ورقه نطنز را تنها در سه نقطه ذر، کپه فیروزه و عباس‌آباد که آثاری از اکتشاف یا استخراج در آن‌ها یافت می‌شود، می‌توان سراغ گرفت (سعدالدین، ۱۳۷۴: ۶۶). در گزارش سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی، قدمت معدن عباس‌آباد، صفوی ذکر شده است. مورفولوژی منطقه معدنی به شکل تپه‌ماهورهای کم‌ارتفاع است و آثار باقی‌مانده ذوب ماده معدنی به شکل سرباره در دو محل، یکی در آبراه‌های واقع در مجاورت معدن و دیگری در کنار یکی از گودال‌های استخراجی، مشاهده می‌شود. تعداد چهار کنده‌کاری استخراجی به صورت گودال‌هایی بزرگ (به قطر هر کدام ۶-۵ متر) در قسمت‌های جنوب غربی و شرقی تونل مذکور به چشم می‌خورند. بنابراین، وجود کنده‌کاری‌های استخراجی بزرگ و وجود سرباره‌های ذوب ماده معدنی، گواه این مدعاست که در این ناحیه، فعالیت معدنی که احتمالاً در ارتباط با سرب و روی بوده، وجود داشته است (همان: ۷۲).

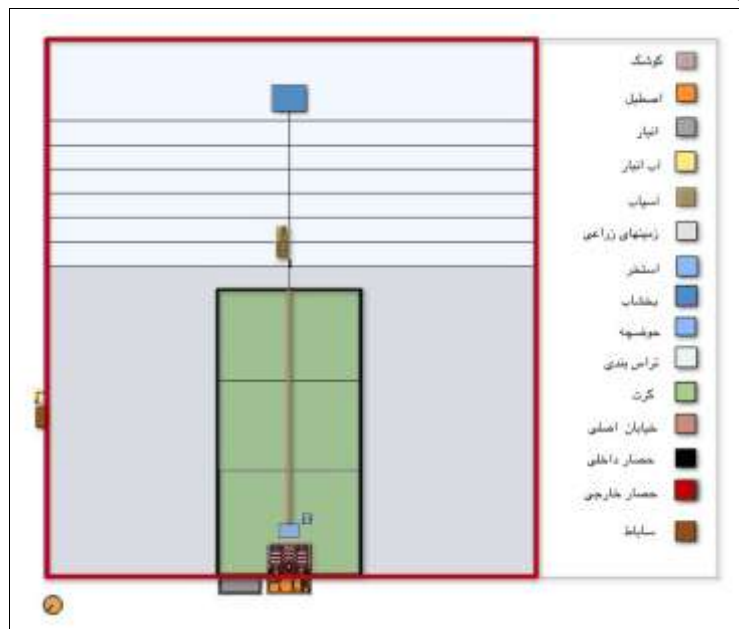
۳.۴. شاکله باغ

ساختار کلی باغ از باغ شاهی مستطیل‌شکل و زمین‌های زراعی خارج از این دیوار که با حصار دومی تعریف می‌شوند، تشکیل می‌شود. طرح هندسی باغ در فرم کلی مربع است. آنچه این نوع الگو را تأیید می‌کند، ساباطی است که در هم‌جوار با حصار بیرونی قرار گرفته است که قدمتی صفوی دارد. الگویی این‌چنینی را در باغ تاج‌آباد نیز می‌توان سراغ گرفت. عناصر معماری مجموعه عبارت‌اند از: کوشک در فضای باغ شاهی و اسطبل، انبار علوفه، ساباط، آب‌انبار و آسیاب آبی که در خارج از آن قرار گرفته‌اند (نقشه ۵).

عمارت اصلی در شمال غربی باغ در نقطه‌ای فروتر از باغ بلند، پی‌ریزی شده است. بقایای اسطبل و انبار علوفه با ساختاری از خشت و سنگ را در دو سوی ورودی شمال غربی باغ می‌توان دید. موقعیت آسیاب در امتداد محور اصلی و بین دو حصار واقع شده است. کلایس در سال ۱۹۸۷ میلادی، باغ را این‌گونه توصیف می‌کند:

عمارت در یک باغ مطبق مصنوعی (دست‌ساز) به طول ۱۸۹ متر و عرض ۸۹ متر قرار گرفته است. باغ به وسیله دیواری احاطه شده که به لحاظ عملکرد، نقش یک حصار محافظ را دارد. بر روی خط میانی این مجموعه درخت سروی بلند قرار دارد که هنوز به خوبی پابرجاست. در قسمت پایین این بلندی به طرف باغ، ویرانه‌های آسیابی قرار دارد که در گذشته، توسط جریان آبی که از کوهستان سرچشمه می‌گرفت و این درخت سرو و باغ را هنوز هم آبیاری می‌کند، به حرکت درمی‌آمد. در قسمت شمالی خارج از باغ، اسطبل قرار داشته که در حال حاضر به شدت تخریب

شده است (شکل ۵). ورودی اسطبل از شمال می‌باشد که در شرق همجوار مجموعه عمارت قرار گرفته است. از ضلع جنوبی دیوار باغ، دری به سوی آسیاب و به سمت درخت سروی که در ارتفاع است، باز می‌گردد. احتمالاً باغ اطراف درخت سرو بزرگ‌تر بوده که امروزه حداکثر به‌عنوان زمینی برای کشاورزی دیم استفاده می‌شود. آسیاب دارای ارتفاعی حدود ۵/۳۰ متر است (شکل ۶). کانال هدایت آب جزئی از ساختار آسیابی است که شامل فضایی متشکل از چهار اتاق و ورودی الحاقی است. با توجه به ابعاد، این آسیاب فقط می‌توانسته در خدمت عمارت به‌کار گرفته شده باشد. سنگ‌های آسیاب همچنان در محل خود باقی هستند، ولی بقیه ابزار آسیاب کردن وجود ندارند (Kleiss, 1987: 347-349). شکل‌گیری باغ به گونه‌ای است که هم در عرض و هم در طول، مبتنی بر شکل و شیب طبیعی زمین می‌باشد، چنان‌که ساختاری پلکانی از نوع دست‌ساز با فرمی سنگ‌چین را به‌وجود آورده است. ولفرام کلایس در برداشتش، تنها محدوده باغ رسمی را ارزیابی کرده که ابعاد باغ را ۱۸۹×۸۹ متر بیان می‌کند (Ibid: 347). ابعاد کلی باغ با در نظر گرفتن حدود باقی‌مانده از دیوار خارجی ۲۷۳×۳۰۰ متر، دارای مساحتی در حدود ۷۱۰۰۰ مترمربع و باغ رسمی عرض و طولی برابر با ۷۸ متر و ۱۶۰ متر است که سطحی در حدود ۱۲۰۰۰ مترمربع را دربرمی‌گیرد. واقفی با در نظر گرفتن محدوده باغ رسمی بر این باور است که مساحت باغ در حدود ۵۰ هزار مترمربع بوده که در حال حاضر در حدود ۱۲ هزار مترمربع است (اعظم واقفی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۲۴۹).



نقشه (۵): عناصر باغ عباس‌آباد نطنز (ترسیم از نگارندگان)



شکل (۵): اسپیل باغ عباس آباد نطنز (نگارندگان)



شکل (۶): آسیاب آبی باغ عباس آباد نطنز (نگارندگان)

۴.۴. عناصر معماری باغ

۴.۴.۱. کوشک

ولفرام کلایس بنای کوشک را متعلق به دوره صفویه می‌داند: «کوشک عباس‌آباد نطنز در ۱۸ کیلومتری شمال غربی نطنز و ۸۰ کیلومتری جنوب شرقی کاشان در ارتفاع ۱۳۸۰+ متر ارتفاع از سطح دریا به سبک دیوار آجری (۵×۲۲×۲۲ سانتی‌متر) بنا شده است که نوع بنا و شیوه تزئینات آن

پژوهش‌نامه کاشان
شماره هشتم (پایه ۱۶)
بهار و تابستان ۱۳۹۵



متعلق به دوره صفویه است. نظنز و حومه آن در زمان صفویه به دلیل اینکه از سرزمین‌های مورد علاقه برای شکار بوده، اهمیت فراوان داشته است. عمارت کلاه‌فرنگی [گنبد باز] که در قلعه کوهی [رشته‌کوه‌های کرکس] در غرب شهر قرار گرفته و بر روی قسمت‌های مسطح کوهپایه ساخته شده است، شاهد بر این مدعا است» (Kleiss, 1987: 345).

عناصر فضایی کوشک متشکل از اتاق شاه‌نشین، دو سالن شرقی و غربی، حوض‌خانه، خلوت‌خانه و ایوان جنوبی است. از تزیینات مهم بنا می‌توان به نقوش و کاربندی اختری حوضخانه اشاره کرد. همچنین درگاه‌های مشبک چوبی که روایت می‌شود توسط راهزنان از میان رفته است، از جمله این آرایه‌ها بوده‌اند (اعظم واقفی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۲۵۱-۲۵۲). از نظر کلاسیس، این بنا به‌منظور سکونتگاه موقت تابستانی مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفته و آن را به‌لحاظ طرح سه‌بخشی، قابل‌قیاس با تالار اشرف در دوره شاه‌عباس دوم می‌داند. توصیف فضاهای کوشک در مقاله «کوشک‌ها و عمارت‌های بیلاقی در دوره صفویه و قاجار»^۱ این‌گونه آمده است:

«اندازه‌های خارجی کوشک $۲۳/۳۰ \times ۱۸/۳۰$ متر است که در اصل شامل سه سالن می‌باشد... سالن میانی در امتداد محور باغ و کوشک قرار دارد که به سمت ایوان، سنگ‌فرش شده و استخر به سمت باغ گشوده می‌شود. طبقه اول در جبهه شمال شرقی و غربی است؛ به اضافه یک طبقه میانی و انبار و یک راهرو که با پله به بنا متصل می‌گردد. راه پله به پشت‌بام ختم می‌شود (نقشه ۹). دو سالن با طاق‌های قوسی شکل نوک تیز که هر کدام $۱۱/۶۰$ متر طول و $۶/۱۰$ متر عرض و $۸/۱۰$ متر ارتفاع دارند در اطراف فضای گنبدی و ایوان رو به باغ قرار گرفته‌اند (شکل ۷). این سالن‌ها توسط در و پنجره در دو ردیف طبقه با باغ و ایوان ارتباط دارند؛ محور طولی فضایی (سالن) که در جهت شمال شرقی بنا قرار گرفته به طرف شرق و به سوی باغ متوجه است. این فضا $۶/۴$ متر طول و $۳/۵$ متر عرض دارد و همچنین اتاق قرار گرفته بر روی آن دارای $۵/۳$ متر طول و $۳/۵$ متر عرض با ایوانی سرپوشیده (مهدتابی) به عمق $۱/۶۵$ متر را، به دلیل اینکه در قسمت شمال غربی ساختمان فقط راه پله، سرویس بهداشتی و یک انبار بسیار کوچک و راهرو وجود دارد، می‌توان به‌عنوان بخش مسکونی کوشک دید. ایوان میانی $۵/۹$ متر عرض، $۵/۵$ متر عمق و $۸/۱۰$ متر ارتفاع دارد که بخشی از طاق آن فرو ریخته است. ایوان توسط سه راهرو به فضای مرکزی اتصال می‌یابد که به‌لحاظ ساختاری دچار تغییرات بسیار شده، اما شکل اصیل و گنبد آن قابل بازسازی هستند. بین ایوان و فضای زیر گنبد فضایی به عرض $۵/۶۵$ متر و عمق $۲/۸۵$ متر، به‌عنوان فضای ارتباطی وجود دارد. در طبقه همکف دو قوس الحاق شده است و راهروی را جایگزین کردند که ارتباطی بین بخش سه طبقه‌ای شمال غربی و دو طبقه‌ای بنا در شمال شرقی را برقرار می‌کند. دیواره‌های اتاق میانی کاملاً تغییر پیدا کرده‌اند. بنای امروزی به طول $۷/۰۸$ متر و عرض $۶/۸$ متر در طبقه بالا بدون در نظر گرفتن طاق‌های قوسی که بعدها بنا شده، بازسازی شده است. راهروهای ایوان‌های داخلی و

همچنین اتصال میان فضای گنبد و ایوان، بر روی تیرهای چوبی بنا شده است. فضای زیرگنبد با طاقی ستاره‌ای که شاید به دلیل زیبایی بصری به کار رفته، خاتمه می‌یابد. این قسمت‌ها به‌دلیلی که کوشک، امروز به‌عنوان اسطبل یا انبار غله مورد استفاده قرار گرفته یا به عبارتی مخروبه گردیده است، بسیار آسیب دیده‌اند یا تغییر پیدا کرده‌اند. از بُعد معمارانه، از چهار نمای خارجی عمارت، فقط جبهه جنوبی نمای باغ به‌ویژه با افزودن ایوان و مجموعه درو پنجره‌ها هویت یافته است. نمای شمالی که تا حد زیادی توسط اسطبل پوشیده بود، اصولاً هیچ خرابی ساختاری ندارد و از آن گذشته، این نما امروزه تغییر زیادی پیدا کرده است. با توجه به پلان بنا، این عمارت به‌طور قطع، تنها به‌عنوان اقامتگاه موقت تابستانی در نظر گرفته شده است؛ زیرا فقط در اتاق طبقه فوقانی جبهه شمال شرقی امکان گرم شدن وجود داشته که قابل قیاس با تالار اشرف در اصفهان دوره شاه‌عباس دوم (۱۶۴۲-۱۶۶۶م) است. تالار اشرف که در نزدیکی عالی‌قاپو در محوطه کاخ صفوی در پایتخت قرار دارد، دارای نظامی سه‌ایوانی است. این بنا همچنین به طرف جنوب گشوده است و مانند عباس‌آباد اتاقکی در گوشه شمال شرقی دارد. ساختار طاق در اصفهان باشکوه‌تر از عباس‌آباد است. مسلماً به این جهت که تالار اشرف به‌عنوان محل اقامت شاه استفاده می‌شده؛ اما دلیل دیگر می‌تواند این باشد که این مجموعه در اصفهان پس از عباس‌آباد احداث گردیده که به دلیل شکل قوس‌ها و پیش‌آمدگی لبه بام، طاق اختری [عباس‌آباد] را می‌توان با کاخ‌های شاه‌عباس اول که قدمت بیشتری از تالار اشرف دارند، مقایسه نمود. مجموعه عباس‌آباد در شمال نطنز احتمالاً مربوط به یک کوشک شکارگاه سلطنتی از دوره صفویه است» (Kleiss, 1987: 349-352).

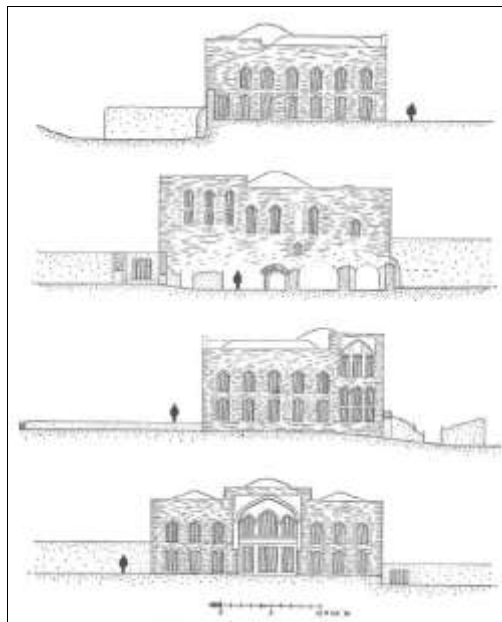
۲.۴.۴. ساباط

آنچه از ساباط باقی مانده، قسمتی از دیواری آجری است که خارج از حصار دوم و در حاشیه جاده اصلی نمایان است. در بخشی از اجاره‌نامه‌ای که در این پژوهش بدان ارجاع داده شده است، از کاروانسرای (ساباط) مجاور باغ به‌عنوان یکی از عناصر مورد اجاره نام برده می‌شود: «به انضمام تمامت یک درب باغ بزرگ و کلیه یکدست عمارت در آن و تمامت شش‌دانگ کاروانسرای جنب باغ مرقوم و تمامت سه‌دانگ مشاع از یک حجر طاحونه در مزرعه موسومه...» علاوه بر این، بر مبنای مشاهده فیگوروا، هنگام اقامت وی و همراهانش در عباس‌آباد، بخشی از خدمه در کاروانسرای مجاور

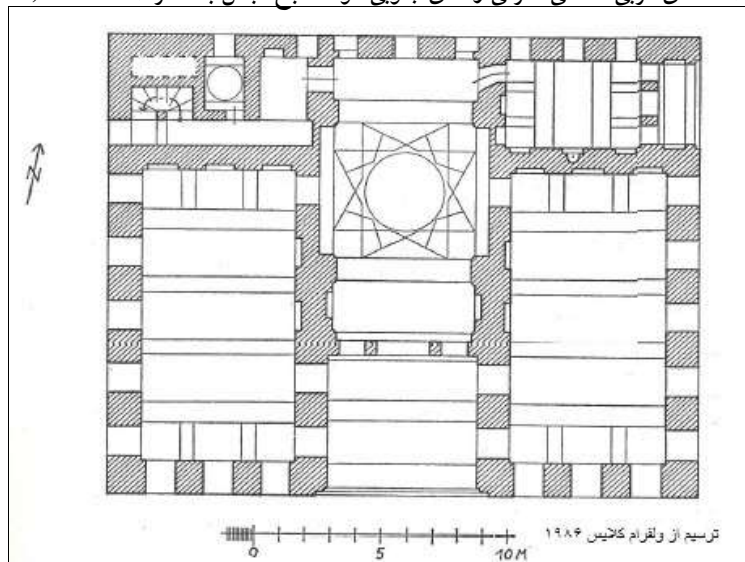


شکل (۷): سالن غربی کوشک عباس‌آباد نطنز (نگارندگان)

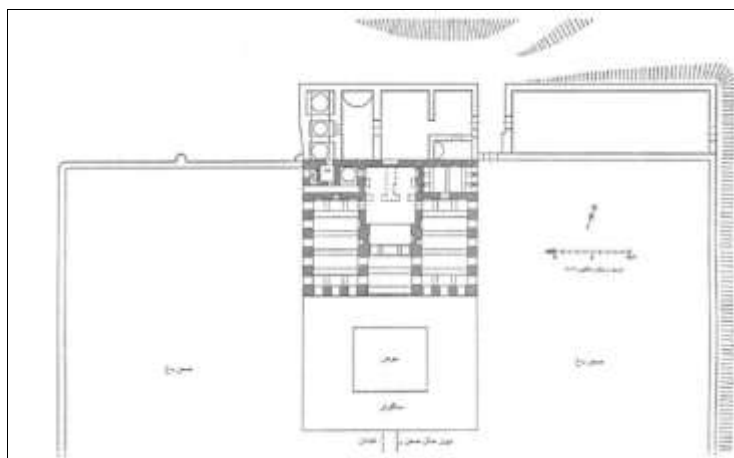
باغ اسکان گزیدند که حکایت از پیشینه صفوی آن دارد: «درحالی که قسمتی از خدمه زیر درخت‌ها جای گرفتند و گروه دیگر در کاروانسرای بدساخت که مجاور باغ بود سرپناهی یافتند» (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۳۶).



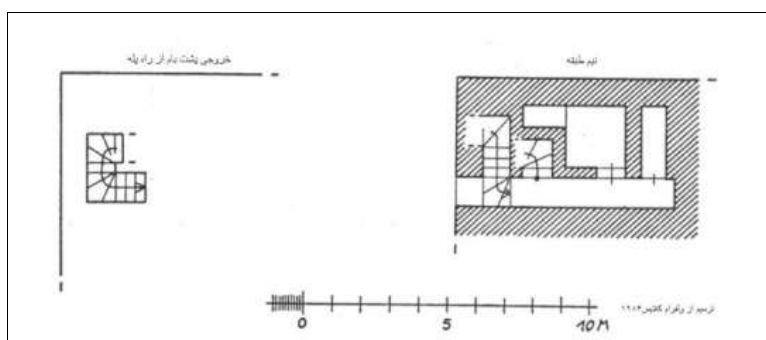
نقشه (۶): نماهای غربی، شمالی، شرقی و نمای جنوبی کوشک باغ عباس آباد نطنز (Kleiss, 1987: 351)



نقشه (۷): پلان طبقه اول کوشک باغ عباس آباد نطنز (Ibid: 349)



نقشه (۸): پلان همکف کوشک باغ عباس آباد نطنز (Ibid: 348)



نقشه (۹): پلان نیم طبقه کوشک باغ عباس آباد نطنز، خروجی پشت بام از راه پله (Ibid: 349)



شکل (۸): کوشک عباس آباد نطنز (نگارندگان)

۵.۴. نظام آب در باغ

موقعیت قرارگیری باغ عباس آباد در دامنه کرکس، زمین‌های برای بهره‌برداری از آب با حفر قنات را پدید آورده است. آن‌گونه که در عکس‌های هوایی مشاهده می‌شود، پنج رشته قنات به باغ و مزارع پیرامونی‌اش کشیده شده است.

در کتاب *خاطرات و اسناد حسینی‌خان نظام‌السلطنه مافی*، اشاره‌ای به قابلیت حفر قنات و سکونت اهالی حرم صفویه در دو باغ عباس آباد و تاج آباد در ناحیه ییلاقی نطنز می‌شود: «آنجا به میرزا هادی وزیر نطنز که نوکر خودم بود و به سید هاشم و جمعی نطنزی گفتم که در دامن این کوه و این دره‌ها استعداد قنات هست. جواب دادند که اغلب از شاهزادگان و اهالی حرم صفویه، تابستان از اصفهان به عباسی آباد [عباس آباد] و تاج خاتون [تاج آباد] نطنز به ییلاق می‌آمده‌اند» (نظام‌السلطنه مافی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۷۵).



مسیر حرکت آب از قنات به مظهر و سپس به واسطه نهری به بخشابی با ابعاد ۱۹×۱۵ متر که در باغ بلند جای گرفته است، ادامه پیدا می‌کند. در این نقطه، آب به باغ رسمی و مزارع اطراف منشعب می‌شود. آسیاب در مسیر حرکت آب به سمت باغ رسمی قرار دارد و در امتداد آن دیواری سنگی که تنبوشه‌ای به قطر ۲۰ سانتی‌متر به طور عمودی در بخشی از دیوار به سمت بیرون پدیدار شده، مشاهده می‌شود که احتمالاً نقش آبشار داشته است^۷ (شکل ۹).

پس از گذشت از این دیواره، آب به باغ رسمی می‌رسد و با توجه به ساختار تراس مانند باغ هم در عرض و هم در طول، قسمتی از آب به طرف آب‌انبار و مزارع هدایت می‌شود. خط و خطوط آب‌رسانی در ورود به باغ رسمی نامشخص است، اما به نظر می‌رسد

همچون باغ تاج‌آباد در محور طولی، بایستی آب تا استخر مقابل کوشک جریان داشته باشد. چنان‌که اعظم واقفی معتقد است آب چشمه از طریق جوی مرمرینی به استخر منتقل می‌شده است (اعظم واقفی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۲۵۱). خطوط برجای مانده از این استخر که بدان دریاچه نیز می‌گفتند، ابعادی در حدود ۸×۱۱ متر را نشان می‌دهد.

۶.۴. گیاهان باغ

از درختان کهن و شاخص باغ می‌توان به چنار که موضوع مکاتبات مالکین باغ و سازمان اوقاف در

دهه ۳۰ قمری (۱۲۹۱ش/۱۹۱۳م) نیز بوده است، اشاره کرد (شکل ۱۱ و ۱۲). همچنین، سروی مطابق در انتهای باغ بلند همچنان به حیات خویش ادامه می‌دهد (شکل ۱۰). گفته می‌شود در گذشته، شش اصله سرو دیگر موجود بوده که توسط مالک وقت خیرالسلطنه به فروش رفته است (اعظم واقفی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۲۴۹). سایکس نیز منظر باغ را با وجود درختان کاج و صنوبر بی‌بدیل وصف می‌کند: «پس از طی نشیب و فرازهای متعدد و تماشای دورنماهای دل‌فریب قریه عباس‌آباد و کاج و صنوبر آن که منظره بدیعی دارد، به طرف مرکز این ناحیه یعنی نطنز سرازیر شدیم» (سایکس، ۱۳۳۶: ۲۱۰-۲۱۱).

فیگوئروا در دوره صفویه، از گونه درختان باغ شرحی ارائه نمی‌دهد و تنها اشاره‌ای به نهال‌های تازه غرس شده می‌کند (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۳۶). آنچه با بررسی در مورد کاشت گونه‌های گیاهان در منطقه کاشان به دست آمد، به نظر می‌رسد گونه کاج از گذشته در این منطقه موجودیت داشته است. پولاک که مجذوب درختان کاج ناحیه فین شده است، توصیه می‌کند که نباید فرصت دیدارشان را از دست داد و از رشد خوبشان برخلاف تهران سخن می‌گوید. از گونه‌های سرو و درخت مثمر زردآلو هم نشانی موجود است. در اواخر صفویه در سال ۱۱۰۱ق، پردولاماز، در سفری به فین، با بیان تناوری و بلندی درختان کاج و سرو، از درخت زردآلو نیز نام می‌برد. علاوه بر آن، با توجه به عکس‌های هوایی و گفته‌های اهالی صالح‌آباد، درختان توت نیز در حاشیه حصار خارجی باغ وجود داشته‌اند.

بنابراین با وصف فیگوئروا از انبوه درختان چنار در باغ تاج‌آباد، درختان کهنسال چنار در نطنز و صالح‌آباد و اسناد موجود فروش چنار، می‌بایست این گونه گیاهی را از گونه‌های اصیل باغ محسوب کرد. علاوه بر این، وجود گونه‌های کاج، چنار و توت در باغ محرز است.



شکل (۱۰): سرو مطابق باغ عباس‌آباد نطنز در کنار بخشاب (نگارندگان)



شکل (۱۲): درخت چنار مجاور آب‌تبار باغ عباس‌آباد نظنز (نگارندگان)



شکل (۱۱): درختان چنار باغ عباس‌آباد نظنز (نگارندگان)

۵. نگاهی به اسناد فروش درختان چنار

آنچه در این گفتار بدان پرداخته می‌شود، شرحی از آسیب‌هایی است که براساس اسناد موجود در سازمان اسناد ملی^۱ و اوقاف در سال‌های متمادی، به درختان این باغ وارد آمده که طرح آن نیز برای شناسایی گونه‌های گیاهی مهم باغ راهگشاست. قطع درختان و فروش آن‌ها در دهه‌های ۳۰ قمری و ۸۰ شمسی، موجب اختلاف میان مالک و مستأجران باغ شد که تا سال ۱۳۹۱ شمسی تداوم داشته است. تغییرات در مالکیت و در پی آن اداره باغ، عدم نظارت مالک و نبود حس تعلق به آن، زمینه‌های آسیب جدی به گیاهان را فراهم آورده تا جایی که درختان کهنسال فروخته و از میان می‌روند. براساس نامه‌هایی که در سال‌های ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ق میان مالک، مستأجر و اداره اوقاف تبادل می‌شود، فروش درختان چنار در دو دانگ وقفی باغ مورد اختلاف بوده است. طبق اسناد، نامی از مشهدی رضا به‌عنوان مستأجر در سال‌های ۱۳۳۱ق برده می‌شود که مالک مدعی شده عامل فروش درختان بوده است؛ از دیگر سو مستأجر مدعی می‌گردد که مالک وقت، میرزا محسن معاون دیوان، قصد فروش درختان را داشته است.

شرح این ماجرا در نامه‌ای به تاریخ ۱۵ حوت ۱۳۳۱ق (۱۲۹۱ش) به نمره ۲۶۹۱، از زبان مشهدی رضا اظهار می‌شود. وی مدعی می‌شود که مالک وقت، میرزا محسن معاون دیوان، قصد فروش درختان چنار را در سال ۱۲۸۹ش داشته است که به مبلغ ۹۰ تومان قیمت‌گذاری می‌شود. او ابراز می‌کند به دلیل اینکه باغ تحت اجاره‌اش بوده است و با فروش و قطع درختان توسط غیر به درختان میوه آسیب وارد خواهد آمد، مصمم به خریداری درختان به قیمت ۱۰۰ تومان می‌شود، اما او را مجبور می‌کنند که به قیمت بیشتری حدود ۱۲۰ تومان، درختان را خریداری کند. وی این مبلغ را به تهران می‌فرستد و قباله در محضر آقا سید ریحان‌الله نوشته می‌شود و توسط فرزندان معاون دیوان و دیگران، مهر می‌گردد تا اعتبار یابد. با روی کار آمدن نایب حسین کاشی، او قادر به قطع درختان

نمی‌شود. پس از دو سال، طبق سند نمرة ۲۶۹۲ به دلیل نیاز مالی به تهران آمده و چنارها را به قوام الاسلام می‌فروشد. معاون دیوان از موضوع اطلاع می‌یابد و عریضه‌ای مبنی بر فروش درختان توسط مستأجر بدون اجازه مالک به اداره اوقاف می‌فرستد که در پی آن، دستور توقیف چنارها از اداره اوقاف به حکومت نطنز صادر می‌شود. وجود سندی به تاریخ ۲۴ صفر ۱۳۳۱ ق و نامه‌ای به نمرة ۲۲۷۵، این مورد را اذعان می‌دارند. یک سال بعد، در سندی^۹ موضوع وقف درختان و صورت مخارج عزاداری به اداره اوقاف طرح شده است. در این نامه، متولی باغ، مفاخر السلطنه، اعلام می‌کند عواید حاصل از موقوفه، صرف خریداری از درختان شده و قبالة آن موجود است و صورت مخارج به وزارت اوقاف ارائه شده است. در جوابیه وزارت معارف و اوقاف به تاریخ ۲۵ دلو ۱۳۳۲ ق به متولی اظهار می‌شود که ناظر طبق وقف‌نامه بایستی تأیید کند که عواید موقوفه برای خرید درختان صرف شده است. نامه اخیر نشان می‌دهد که احتمالاً بار دیگر درختان خریداری شده‌اند. همچنین با بررسی اسناد، مدارکی مبنی بر قطع درختان در آن زمان دیده نمی‌شود. در سال‌های بعد، در زمان مالکیت خبیر السلطنه، طبق روایت ساکنین روستای مجاور، شش درخت کهن سرو توسط وی بریده و به فروش می‌رود (اعظم واقفی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۲۴۹). علاوه بر آن، این باغ در سال ۱۳۵۷ ش به فردی اجاره داده می‌شود که در سال ۱۳۸۳ ش، ادعای مالکیت ۱۶۰ اصله از درختان چنار را می‌کند و در همان سال، ۲۰ اصله از درختان در آتش می‌سوزند.^{۱۰}



شکل (۱۳): درختان چنار قطع شده باغ عباس آباد نطنز (نگارندگان)

۶. تحلیل کشاورزی ناحیه نطنز به منظور دستیابی به فرم شکل‌گیری زراعت در باغ

یکی از نکاتی که در تحلیل این باغ مورد تدقیق قرار گرفت، شکل زمین‌های بخش جنوبی باغ است که به فرم پلکانی طرح‌اندازی شده‌اند. دلایل این امر را می‌توان در پیشینه کشاورزی منطقه و

بهره‌وری از شکل طبیعی زمین دانست که در این گفتار، به اهمیت و شیوه کشاورزی در این خطه پرداخته می‌شود. برخلاف دیگر باغ‌های تخت که بالاترین نقطه باغ به محل استقرار عمارت اختصاص می‌یافت، در اینجا شاهد جانمایی تختگاه‌ها که بخشی از زمین‌های زراعی محسوب می‌شوند، به جای آن می‌باشیم؛ بنابراین، به نقش منظری متفاوت برمی‌خوریم که در اینجا مورد بحث قرار نمی‌گیرد و تنها عوامل شکل‌گیری آن بررسی خواهد شد.

سیاحانی که از منطقه نطنز گذر کرده‌اند، در مجموع، اشاراتی به نحوه قرارگیری، نوع خاک و شکل زمین‌های کشاورزی کرده‌اند. آن‌ها موضع قرارگیری اراضی را حاشیه کوهستان‌ها دانسته‌اند که دارای خاکی مرغوب از جنس ریگ بوم و شنی بودند و نیز شیوه تراس‌بندی به‌منظور تسطیح زمین در ناحیه کرکس مورد توجهشان واقع شده است. اوژن اوین، سفیر فرانسه در ایران، در مسیر تهران به اصفهان، هنگامی که که به این ناحیه می‌رسد، موقعیت قرارگیری اراضی را این‌گونه توصیف می‌کند: «اینک به ولایت نطنز رسیده‌ایم... اراضی نطنز سرتاسر کناره کوهستان‌های عرضی را فراگرفته‌اند» (اوین، ۱۳۹۱: ۳۳۴) و البته خاک مستعد به کشاورزی نطنز نیز از نگاهشان دور نماند: «خاک این دامنه چنان خوب بود که هرچند در پایان ماه اوت بودیم، همچون ماه آوریل اسپانیا، همه جا سبز و خرم بود و برخلاف سایر قسمت‌های این ناحیه، هیچ‌گونه سنگ و کلوخی در زمین به چشم نمی‌خورد (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۸۸). در کتاب *نصف جهان فی تعریف الاصفهان* در باب زمین‌های نطنز این‌گونه آمده است: «زمینش ریگ بوم و شیرین است حاصل آن غله و انواع حبوب است» (الاصفهانی، ۱۳۶۸: ۳۳۵). با وجود این، سفیر اسپانیا و پردولاماز آب فراوان را عامل مهم‌تری برای دستیابی به محصولات ممتاز این خطه می‌دانند: «فراوانی آب موجب شده است که با وجود عقیم و سنگی بودن زمین، سراسر دره از باغ‌هایی انباشته از بهترین میوه‌ها پوشیده باشد» (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۲۸۲) و «زمین آن شنی به نظر می‌رسد ولی از فرط آبی که به فراوانی از کوه می‌آید و آن را آبیاری می‌کند، گندم خوب و میوه‌های خوب حاصل می‌دهد» (کشیشان ژزوئیت، ۱۳۷۰: ۷۷).

بنابر گزارش سفر پردولاماز که در پایان پادشاهی شاه سلیمان و آغاز سلطنت شاه سلطان حسین به نطنز آمد، این نکته مشخص می‌شود که به‌منظور نگهداری آب در زمین‌های زراعی، کرت‌بندی به شکل تراس انجام می‌پذیرفت. اصطلاح محلی «پوم» نیز به معنی سنگ‌چین خشک‌های که میان دو رشته کرد زراعتی در دامنه‌های شیب‌دار برای گرفتن شیب زمین در منطقه کاشان به‌کار می‌رفته است (صدری، ۱۳۷۶: ۶۸) حکایت از طرح مشابهی دارد که در عباس‌آباد پیاده شده است؛ او این مورد را این‌گونه بیان می‌کند:

«روز پنجم دسامبر پس از ۵ ساعت راهپیمایی به نطنز رسیدیم. نمی‌توانم بگویم که اینجا یک شهر است یا قصبه. تعداد زیادی خانه در شیب یک کوه دیده می‌شود که با باغچه‌هایی از یکدیگر

جداشده‌اند... زمین‌های زراعتی برای اینکه آب را در خود نگاه دارند، به شکل تراس کرت‌بندی شده‌اند» (کشیشان ژزوئیت، ۱۳۷۰: ۷۷).

درواقع این شیوه یکی از راه‌هایی است که کمک شایانی به جلوگیری از فرسایش خاک می‌کند و لمبتون آن را مورد بحث قرار داده است؛ او می‌گوید: «برافراشتن و مسطح کردن زمین و به اصطلاح، تراس‌بندی»^{۱۱} در دره‌های واقع در نقاط کوهستانی در بسیاری جاها با مهارت و مراقبت شایان توجهی ادامه دارد و این نکته را به‌خصوص می‌توان در بسیاری از دهات خرده‌مالک واقع در ناحیه کوه کرکس مشاهده کرد» (لمتون، ۱۳۷۷: ۶۲۲-۶۲۳).

بنابراین نقش عملکردی تخته‌گاه‌های باغ به‌عنوان زمین‌های زراعی، با توجه به نوع خاک و زمین منطقه آشکار می‌شود؛ البته این موضوعی است که مطالعه در حوزه کشاورزی را طلب می‌کند که در آن، میراث کشاورزی موضوعیت خواهد یافت. در ادامه این جستار، به بیان ارتباط این مبحث با نقشی که دو حصار در باغ‌های تاریخی نطنز ایفا می‌کنند، پرداخته می‌شود.

۷. حصارهای دوگانه باغ‌های نطنز

در دو باغ عباس‌آباد و تاج‌آباد، جدا از حصارهای که در اطراف باغ رسمی کشیده شده، حصار دومی نیز قابل مشاهده است (شکل ۱۴ و ۱۵). بررسی شواهد حاکی از آن است که فضای میانی دیوارهای داخلی و بیرونی، اراضی کشاورزی بوده است. همان‌طور که گفته شد، از دلایلی که این نوع کاربری را در عباس‌آباد توضیح می‌دهد، وجود تراس بندی از جانب جنوب به شمال باغ است که در زمین‌های زراعی کرکس به‌کار می‌روند. علاوه بر آن، موقعیت زمین‌ها، متناسب با نوع خاک و فرم زمین شکل گرفته‌اند. همان‌گونه که از عکس‌های هوایی استنباط می‌شود، رشته‌ای از قنوات به‌سمت این اراضی هدایت می‌شوند و ایده آب‌رسانی به‌منظور کاشت محصول را قوت می‌بخشد.

چرایی اهمیت و ارزش کشاورزی در دوره صفویه در این منطقه را لمتون خاطر نشان می‌کند. بدین صورت که با انتقال پایتخت به اصفهان، به‌سبب نیاز و تقاضای شهر و گسترش تجارت خارجی، کشاورزی مناطق مجاور رونق می‌گیرد (لمتون، ۱۳۸۷: ۱۹۹). به همین منظور، زمانی که شاه‌عباس بر قبایل غلبه می‌کند، با افزایش امنیت و همچنین مرکزیت دولت، کشاورزی توسعه قابل توجهی می‌یابد؛ بنابراین، ارزش محصولات زراعی به‌منظور تأمین مایحتاج نیروهای سلطنتی، ذخیره غلات برای مواقع قحطی و حفظ ثبات سیاسی، پراهمیت می‌شود (لمتون، ۱۳۷۷: ۴۵). از این رو، وجود دیواری به‌منظور حفاظت از مزارع در برابر حیوانات، حمله اشرا (همان‌جا) و رخداد بلایای طبیعی چون ریگ روان در نواحی‌ای چون ابوزیدآباد و بادرود (افضل الملک، ۱۳۷۹: ۹۴) در اطراف زمین‌ها ضرورت می‌یابد (شکل ۱۶) که به‌تبع آن، در باغ عباس‌آباد نیز شاهد شکل‌گیری آن هستیم. افزون بر این، طبق مشاهدات اوژن اوین در آستانه جنبش مشروطیت از نطنز، در این ناحیه برخلاف نواحی شمالی کشور، در اطراف آبادی‌ها حصارهای بلند کشیده شده است و

دهقانان زندگی دور از انظار را سپری می‌کنند که حکایت از وجود عدم امنیت در منطقه نطنز را دارد (اوین، ۱۳۹۱: ۳۳۴)؛ بنابراین، اهمیت احداث حصار به منظور برقراری امنیت و حفاظت از زمین‌های کشاورزی به جهت ارزش‌های که ذکر آن رفت، در باغی چون عباس‌آباد توجیه‌پذیر می‌نماید.



شکل (۱۴): حصار دوگانه در باغ عباس‌آباد نطنز (Google maps)



شکل (۱۵): وجود دو حصار در باغ تاج‌آباد نطنز (Google maps)



شکل (۱۶): مزارع نطنز

(Harvard Library, Baroness Marie-Thérèse Ullens de Schooten, 1951-1972^{۱۳})

نتیجه‌گیری

باغ عباس آباد نطنز اثری است که شناسایی ارزش‌هایش نمودی از دستاوردهای باغ‌سازی دوره صفوی را نمایان می‌سازد. این پژوهش در دستیابی به ماهیت بستر و تعامل و ارتباط آن با باغ موردنظر، همچنین روابط بین عناصر درون باغ کوشش نمود و حاصل آن پدیداری ابعادی است که بررسی بیشتری را در حوزه‌های علوم دیگر طلب می‌کند و رویکردی تازه به موضوع را پیش رو می‌نهد. از نتایج به‌دست‌آمده این گفتار، می‌توان به نزدیک شدن به ترکیب ساختار اثر و خوانش عناصر معماری و گیاهی اشاره کرد. افزون بر این، شاکله این باغ نشان می‌دهد که تا چه اندازه باغ‌های ایرانی الگوی متفاوتی داشته‌اند که پیرو بستر شکل‌گیری‌شان بوده است و هریک اثری بی‌همتا به‌شمار می‌آیند. فرایند گزینش یا مکان‌یابی بنیان باغ نیز از نکاتی است که به‌نظر می‌آید تدقیق درباره آن، به ابهام‌زدایی از باغ‌های تاریخی مدد برساند. مجموعه ساختار بستر شامل قلعه، معدن سرب و روی، روستای صالح‌آباد، زمین‌های کشاورزی و قبرستان بوده است که در تعامل با باغ رسمی، با ساختارهای فضاهای خدماتی چون آسیاب، اسطبل و انبار علوفه، نظامی را شکل می‌دادند که در چرخه اقتصادی باغ، نقش مهمی داشته است. آنچه روشن است اهمیت و ارزش محصولات زراعی در دوره صفویه در این منطقه می‌باشد که منجر به ایجاد ساختار دوگانه حصارهای اطراف باغ شده است. با توجه به رونق کشاورزی در منطقه نطنز، به‌سبب نزدیکی به پایتخت، به‌منظور حفاظت از محصولات کشاورزی در برابر بلایای طبیعی و حفظ امنیت، ایجاد حصار دومی در حواشی زمین‌های پیرامونی باغ رسمی، ضروری به‌نظر می‌رسیده است. افزون بر این، وجود قنات‌هایی که به‌سوی زمین‌های پیرامون باغ کشیده شده‌اند، حاکی از کاربری زمین‌های زراعی است؛ از این‌رو، شاکله باغ را ترکیبی از زمین‌های زراعی و باغ رسمی می‌توان تصور کرد که گونه‌ای از باغ تاریخی را به‌عنوان باغ-مزرعه نمودار می‌سازد که مشابه آن در باغ تاج‌آباد

پژوهش‌نامه کاشان
شماره هشتم (پایه ۱۶)
بهار و تابستان ۱۳۹۵

طرح اندازی شده است. ساختار پلکانی بخش جنوبی باغ نیز شیوه‌ای با هدف جلوگیری از فرسایش خاک و نگهداری آب بوده است که نمودی از سنت زراعت منطقه کرکس می‌باشد. آنچه از مطالعه مسیرهای منتهی به محل قرارگیری باغ به دست آمد، نشان‌دهنده آن است که مسیر کاشان-نطنز راه محلی پرنشیب و فرازی بوده است که تردد کمتری نسبت به مسیر شاهی اصفهان-فرح‌آباد در آن صورت می‌گرفته و مسافران راه‌های دیگری را برمی‌گزیدند که موجب شده است در منابع تاریخی، اشاره کمتری به این باغ صورت گیرد.

پی‌نوشت‌ها:

1. Pietro della valle. *Itinéraire de Perse de Bagdaht à Ispaham, et d'Ispaham à Ferh-Abad, à Caswin, à Ardebil selon la relation de Pietro della Vallé.*
2. Unidentified, Kashan (near), Iran, *Ullens de Schooten, Baroness Marie-Thérèse: Funding for this image is provided by the Aga Khan Program, olvwork553890.*
3. Unidentified, Iran, *Ullens de Schooten, Baroness Marie-Thérèse: Funding for this image is provided by the Aga Khan Program, olvwork640160.*
4. لغت‌نامه دهخدا: نه نی. [ن] (آخ) دهی است از دهستان مرکزی بخش نطنز شهرستان کاشان در ۱۲ هزار گزی غرب نطنز و ۳ هزار گزی غرب جاده نطنز به کاشان. در منطقه کوهستانی معتدل هوایی واقع و دارای ۳۴۰ تن سکنه است. آبش از قنوات، محصولش غلات و خربزه و انار و انجیر و شغل مردمش زراعت و گل‌داری است. مزارع عباس‌آباد، احمدآباد، کالیجان و لاسج (لاکج) جزو این ده است و در مزرعه عباس‌آباد، کاروانسرای شاه‌عباسی وجود دارد (رزماً آرا، ۱۳۲۹، ج ۳: ۳۱۱).
5. طبق مصوبه هیئت‌وزیران در جلسه مورخ ۱۳۶۲/۸/۱ بنا به پیشنهاد شماره ۷۲۶۳.۵.۵۳.۸۲۰۵ مورخ ۱۳۶۲/۶/۲۹ وزارت کشور و به استناد ماده ۱۳ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری مصوب تیرماه ۱۳۶۲، مجلس شورای اسلامی تصویب کردند نام روستای نی‌نی تابع شهرستان نطنز به صالح‌آباد تغییر نام یابد.
6. مقاله "Schlosser und Herrensitze auf dem Lande aus safavidischer und qadjarischer Zeit" با عنوان فارسی «کوشک‌ها و عمارت‌های بیلاقی در دوره صفویه و قاجار» ترجمه‌ای از خانم پریسا جعفری مقدم است.
7. با استناد به روایت اهالی صالح‌آباد.
8. اسناد برگرفته از آرشیو ملی ایران با موضوع «اجاره درخت باغ موقوفه عباس‌آباد نطنز» که تاریخشان بین سال‌های ۱۲۹۸-۱۳۰۴ش و دارای ۶۳ برگ با شناسه سند ۲۱۶۶۷/۲۵۰ می‌باشند.
9. ورود به دفتر کل شهر ۱۸ دلو ۱۳۳۲ق.
10. این گزارش برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی اداره کل اوقاف و امور خیریه استان اصفهان است.
11. تراس‌بندی (مأخوذ از terrasse فرانسه که به انگلیسی tracing گویند) و آن عبارت است از هموار کردن و مسطح ساختن زمین خاصه اراضی کوهستانی که دارای شیب‌های تند است. در این گونه، نقاط زمین را به وسیله خاک‌برداری، سنگ‌چین یا به وسایل دیگر مسطح و هموار می‌کنند تا بدین گونه مانع از سایش خاک به وسیله باد یا آب شوند و چون در نهایت زمین به صورت پلکان درمی‌آید، این عمل را به طور مبهم زراعت پلکانی هم گفته‌اند.
12. Natanz road , iran, *Ullens de Schooten, Baroness Marie-Thérèse: Funding for this image is provided by the Aga Khan Program, olvwork627312.*

منابع

- آل داوود، سید علی، ۱۳۷۷، دو سفرنامه از جنوب ایران، تهران: امیرکبیر.
- اعظم واقفی، سید حسین، ۱۳۷۴، میراث فرهنگی نطنز: آثار تاریخی-آداب و سنت‌ها و تاریخ نطنز، ج ۱، تهران: انجمن میراث فرهنگی نطنز.
- _____، ۱۳۸۴، میراث فرهنگی نطنز، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- _____، ۱۳۸۱، میراث فرهنگی نطنز، ج ۲، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- افشار، ایرج، ۱۳۵۲، «سفرنامه تلگرافچی فرنگی»، فرهنگ ایران زمین، ج ۱۹، ص ۱۸۳-۲۶۰.
- افضل‌الملک، غلامحسین، ۱۳۷۹، سفرنامه اصفهان، تهران: سازمان چاپ و انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- الاصفهانی، محمدمهدی بن محمدرضا، ۱۳۶۸، نصف جهان فی تعریف الاصفهان، تهران: امیرکبیر.
- اوین، اوژن، ۱۳۹۱، ایران امروز، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: نشر علم.
- ترکمان، اسکندربیک، ۱۳۸۲، تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۳، با اهتمام و تنظیم ایرج افشار، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- دیولافوا، ژن، ۱۳۹۰، سفرنامه مادام دیولافوا، ترجمه همایون فره‌وشی، تهران: دنیای کتاب.
- رزم‌آرا، حسینعلی، ۱۳۲۹، فرهنگ جغرافیایی ایران، ج ۳، تهران: انتشارات دایره جغرافیایی ستاد ارتش.
- سایکس، پرسی مولزورث، ۱۳۳۶، سفرنامه ژنرال سر پرسی سایکس یا ده هزار میل در ایران، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران: کتابخانه ابن سینا.
- سعدالدین، ناصر، ۱۳۷۴، گزارش بی‌جویی و پتانسیل‌یابی مواد معدنی در ورقه ۱:۱۰۰۰۰۰ نطنز، تهران: سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور.
- سیستانی، شاه حسین بن غیاث‌الدین محمد بن شاه محمود، ۱۳۸۳، حیات الملوک، تحقیق منوچهر ستوده، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی محل نشر.
- صدری، مهدی، ۱۳۷۶، «اصطلاحات کشاورزی منطقه کاشان»، نامه فرهنگستان، ش ۱۱، ص ۶۶-۷۴.
- عاطفی، حسن و آبتین گلکار، ۱۳۹۱، فراز و فرود کاشان به روایت دیگران، تهران: انتشارات مؤسسه بنیاد فرهنگ کاشان.
- فلسفی، نصرالله، ۱۳۹۱، زندگانی شاه‌عباس اول، تهران: انتشارات نگاه.
- فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا، ۱۳۶۳، سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوئروا، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.
- کشیشان ژزوئیت، ۱۳۷۰، نامه‌های شگفت‌انگیز از کشیشان فرانسوی در دوران صفویه و افشاریه. ترجمه دکتر بهرام فره‌وشی، تهران: مؤسسه علمی اندیشه جوان.
- لمتون، آن کاترین سواين فورد، ۱۳۸۷، «جنبه‌هایی از نظام کشاورزی و تاریخچه زمین‌داری در ایران»، معرفت فلاح، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

- _____، ۱۳۷۷، مالک و زارع در ایران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- منجم، ملاجلال‌الدین، ۱۳۶۶، تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، تهران: انتشارات وحید.
- مهریار، محمد، ۱۳۸۲، فرهنگ جامع نام‌ها و آبادی‌های کهن اصفهان، اصفهان: فرهنگ مردم.
- نراقی، حسن، ۱۳۴۸، آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- نظام‌السلطنه مافی، حسینی‌خان، ۱۳۶۲، خاطرات و اسناد حسینی‌خان نظام‌السلطنه مافی، ج ۱، تهران: نشر تاریخ ایران.
- نهاوندی، عبدالباقی، ۱۹۳۱، مآثر رحیمی، کلکته: انجمن آسیایی بنگال.
- وحید قزوینی، میرزا محمد طاهر، ۱۳۸۳، تاریخ جهان‌آرای عباسی (عباسنامه)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- Cyrus, Alai. 2010. *Special Maps of Persia*. Leiden: Brill.
 - Kleiss, Wolfram. 1987. "Schlosser und Herrensitze auf dem Lande aus safavidischer und qadjarischer Zeit". in *Archäologische Mitteilungen aus Iran*, vol. 20, pp. 345-368.